یادداشت میهمان

سلبریتی

خبرتان بدهم که شیطان‌ها به چه کسی نازل می‌شوند؟ بر همه دروغسازان گنه‌پیشه نازل می‌شوند. شنیده‌های خود را القاء می‌کنند و بیشترشان دروغگویند. و گمراهان از شاعران پیروی می‌کنند. مگر نمی‌بینی که آنان در هر وادی سرگردانند. و چیزهایی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و خدا را بسیار یاد کرده و پس از آن ستم‌ها که دیدند انتقام گرفته‌اند، به زودی ستمکاران بدانند که به کجا باز می‌گردند. (سوره شعراء، آیات ۲۲۱ تا ۲۲۷)

خدایش بیامرزد، آیت‌الله مرتضی نجومی، چهره ماندگار هنر ایران که غیر از اجتهاد و اخلاق خوش، در خطاطی، تذهیب، تشعیر، تصحیف، مینیاتور و چندین هنر دیگر هم صاحب‌نام، اثر و فضل بود و مجلسش غیر از یاد خدا، کلاس هنر و فضیلت و فرهمندی بود. نکات نغز و صمیمیت همنشینی با او چنان لطیف و مغتنم بود که شاید گمان می‌شد این فرهیخته ارجمند، دوستی همسن و سال یا رفیقی قدیمی است که مثل برادر بزرگ یا پدر دلسوز، دست‌گیر نزدیکان خود در امور دین و دنیا و معرفت است. غیر از علوم مرسوم دینی، مطالعات و تجربیاتش در حوزه اندیشمندان خارجی نیز او را پخته‌تر از دیگرانی که مورد توجه جوانان شهر بودند کرده بود. ایشان با وجاهت و جایگاهی که اندکی از آن گفته شد، در جایی فرمودند: «ظواهر آشفته حکایت از دل‌های پریشان دارد» این سخن اگرچه درخصوص برخی گفته شد ولی بیانگر قاعده‌ای است که می‌گوید «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

غیر از هر تعریف دیگر، شاید بتوان هنر را عمیق‌تر، این‌گونه تعریف نمود که، هر نوع ظرافت هوشمندانه و محترمی که بتواند انسان دورافتاده از اصل خویش را متوجه بهشت و جایگاه واقعی‌اش کند و او را مشتاق و متعهد به بازگشت به دوران وصلت نماید، هنر است. اینکه فرمود «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش، بازجوید روزگار وصل خویش» یعنی همین. همان نی که مولوی ما را به شنیدن حکایتش وقتی از جدایی‌ها شکایت می‌کند، هنر است. و شیوه ظریف هنر، هماهنگی است و هرچه شرح این هجرت، هم‌آواتر با آن حقیقت باشد و بتواند انسان را برای بازگشت به همان نیستان مهیاتر کند موفق‌تر است. هنر، هماهنگی با بهشت موعود و همانی‌سازی با بهشتیان است.

با این تعریف متعالی، دیگر نمی‌توان به پریشان‌گویی و آشفتگی‌های ذهن‌های بی‌هدف و گمراه، هنر گفت. هنری که در خدمت تعالی انسان نباشد، نوعی فرعون است که انسان را به بردگی خواهد برد. سینمای امروزین اگر خود را با فطرت هماهنگ نکند و او را متوجه مبدأ و معادش نکند و او را متعهد نکند، به رستگاری نخواهد رسید. همان‌گونه که خطاطی و نقاشی و عکاسی و طراحی و شعر و نویسندگی و هنرهای جدید و... هم اگر خود را به این اهداف متعالی مزین و مطهر نکنند و مأموریت خود را نجات آدمی از بندهای تحیر ندانند به رستگاری نخواهند رسید. اصلاً فلسفه هنر، نوعی امر به معروف و نهی از منکر است که آدمی را متنبه و به اصلاح متوجه می‌کند. آن ظرافتی که زلف خیال را نوازش نکند و فکر عادت زده را متحیر ننماید و صورت عقل را به سمت خدا نگرداند، حیلتی شیطانی از نوع گوساله سامری است که مصداقی از تعریف باطل و بی‌نتیجه هنر برای هنر است.

اگر هنری این‌گونه، در جامعه رواج یابد، تعالی سرریز و عشق سرازیر و عاشق‌ها سرآمد می‌شوند. خوبی، سکه رایج و مهر و محبت رشک‌آور و رقابت در خدمت و آباد کردن دنیا می‌افتد. افکار و رفتار و گفتار و ساخته‌های بشری همه از جنس تذکر خواهد شد نه غفلت. و دنیا مقدمه بهشت موعود می‌گردد نه منجلاب عادات سخیف. کشتار و غارت و جنایت و دزدی و اختلاس و دروغ و تجاهر به فسق و تظاهر به انحراف و...، تلاش انسانی است که خود را محبوس ابدی دنیا و ناامید از بازگشت می‌داند، برای نجات از مرگ. وقتی شعار جامعه «انسان، گرگ انسان» باشد معلوم است نتیجه‌اش برهوت اخلاق و افتخار به درّندگی و دعوت به سرکشی و رتبه‌بندی بر مبنای «گرگ‌تر» خواهد بود. بی‌اخلاقی، ارزش و بازار مکارها رونق می‌گیرد. آن تعریف مرحوم نجومی همین است که هنر متعالی ذهن را منظم، مرتب و مؤدب می‌کند و ظاهر و تظاهرات شخصیتی را هماهنگ و هماوای با متعالیات می‌کند، ولی ذهن پریشان، در رفتار و گفتار و ظاهر افراد چنان نمایان می‌شود و حتی در جامعه منتشر می‌گردد که می‌توان با آن پی به درون آشفته برد.

سلبریتی، به کسی گفته می‌شود که به خاطر توانمندی در هنر، فن یا حرفه‌ای خاص، مورد توجه مردم قرار گرفته و معروف شده است. هنرمندان، ورزشکاران، عالمان مذهبی، نظامیان، فداکاران، دانشمندان، سیاستمداران و... همه را می‌توان گروه‌های مرجع یا سلبریتی نامید که به جز شخصیت فردی، واجد نوعی شخصیت اجتماعی نیز شده‌اند که گفتار و رفتارشان در میان هوادارانشان اثرگذار است. این معروفیت اگر با ظرفیت روانی و خویشتن‌داری و اخلاق، همراه نباشد یا در خدمت مطامع نفسانی قرار گیرد، می‌تواند باعث سقوط اخلاقی و اسارت سلبریتی در دام شهرتِ بی‌تعهد و یا صاحبان قدرت و ثروت و سیاست نامشروع شود و موجب به زحمت افتادن و انحراف جامعه گردد. مثل آنجا که مولوی فرمود: آب در کشتی هلاک کشتی است، آب اندر زیر کشتی پشتی است.

اگر خویشتنداری و اخلاق نباشد هنرمند، به هنرورِ بی‌تعهد؛ دانشمند، به عالم متهتک یا بی‌عمل؛ پهلوان به قهرمان بی‌اخلاق؛ نظامی، به دیکتاتور و کودتاچی؛ سیاستمدار، به سیاست باز و کاسب و... و هر شاخصه مثبت، به ضد خود تبدیل می‌شود. در ایران ما باید به اینها که گفته شد، اطوار روشنفکری و تحریک‌های دشمنان را نیز افزود. و اینکه متأسفانه در کشور ما شیوه سلبریتی شدن به ویژه در حوزه رسانه و ورزش بسی نگران‌کننده‌تر و رقت‌بارتر است. افراد گمنامی، به خاطر شباهت به یک خواننده قدیمی یا بذله‌گویی یا کمبود شخصیت‌های وزین یا کوتاهی دانشکده‌ها یا بی‌ضابطگی و فرصت‌های بی‌نظیر تبلیغی، در صدا و سیما و سینما سرشناس و سلبریتی می‌شوند و به جای اندیشمندان و دانشمندان، مهمان همیشگی جشن‌های ملی مذهبی رسانه‌ای که قرار بود دانشگاه ملی باشد هستند و اتفاقاً اول به این سازمان لگد می‌زنند.

زمانی با حقوق کم و ابتدایی خود، ذوق زده و متحیر می‌شدند ولی پس از مشهور و چهره شدن، آنچنان غرق در سفارش و پیشنهاد می‌شوند که قراردادهای کلان و افسانه‌ای صداوسیما برایشان آب باریکی است که به راحتی می‌توانند در یک نمایش سیاسی و برای پروژه‌ای چرب‌تر آن را کنار بگذارند و اسم و منّتش را بر مردم بگذارند. در ورزش هم همین گونه است و مردم، شکست‌های پی‌درپی آنان را نادیده می‌گیرند ولی همین که اسمشان را تلویزیون سر زبانها انداخت، به ورزش به چشم بنگاه می‌نگرند و در مزایده تیم‌ها و کشورها، مردم خود را فراموش می‌کنند. اگرچه افراد متین و محترم در این دو قشر بسیارند ولی آسیب‌پذیری عمده آنان به خاطر هوش پایین سیاسی و آلودگی به سوداگری، بیش از سایر اقشار است و این قابلیت را پیدا می‌کنند که بتوانند هر چیز خود را به پیشنهاد بالاتر مادی بفروشند. و اخلاق، مردم و وطن از جمله مهم‌ترین حراجی آنها و انتقاد بی‌ربط و معنی به نظام و صدا و سیما حربه قدیمی حقه‌بازهاست.

تا وقتی وطن‌دوستی ارزش باشد خود را قربانی آن می‌نامند ولی در هیچ معرکه‌ای که جان وطن و مردم را تهدید کند دیده نمی‌شوند. برای وطن چنان بازیگرانه اشک در چشم می‌چرخانند که گویی مردم سفرهای مکرر خارج و دست و پازدنشان برای زایمان در خارج از کشور را ندیده‌اند. چنان ادای مصلح اجتماعی دارند و برای سفره مردم دلسوزی می‌کنند که گویی تاکنون مالیات و خمس قراردادهای افسانه‌ای و دارایی خود را پرداخت کرده‌اند. هرجا برایشان به صرفه باشد سخن می‌گویند و هرجا نباشد، به سفر می‌روند. چنان مدیریت جامعه را مسخره می‌کنند و از مدیریت بحران و احترام به زنان سخن می‌گویند که انگار مردم نمی‌دانند چند ازدواج ناموفق داشته‌اند. ساعتشان با سفارتخانه‌های دشمن تنظیم است. از دید آنها کودکان بیمار پروانه‌ای، دانشمندان ترور شده و ۱۷ هزار شهید ترور و هواپیمای مسافربری و مدافع حرم و وطن و سلامت و آتش‌نشان و... مردم ایران نیستند، هر آن کس را که دشمنان اسمش را «اسم رمز» کردند «مردم» می‌دانند.

هرگز در مورد تحریم‌های ظالمانه، ظلم و ستم اروپا و آمریکا علیه مردم و انسانیت و... چیزی نگفته‌اند تا مبادا سفرهایشان با مشکل مواجه شود یا ثروتشان در خارج از کشور تهدیدگردد. آن‌قدر مردم ایران را دوست دارند که دارایی خود را در خانه دشمن انباشته کرده و هرازگاهی مردم را به خروج خود و خانواده‌شان از ایران تهدید می‌کنند و با بی‌شرمی وطن خود را مرکز نفرین جهان می‌دانند. با تحریف ایران باستان و عرب‌ستیزی به مردم مسلمان خود متلک می‌گویند، ولی اخبار و املاک و قرارداد و معشوقه‌هاشان را در کشورهای عربی که هم اکنون هم چشم طمع به خاک ایران دارند قرار داده‌اند. خودشان را سرباز دشمنان ایران از عربی و عبری و غربی کرده و برای ایران حقه‌بازانه مویه می‌کنند. کسی این همه تناقض و بی‌اخلاقی و دروغ و فرصت‌طلبی یک‌جا را دیده است؟ چرا به اینها جایزه می‌دهند و نامشان را ترند و برند می‌کنند ولی دانشمندان را ترور و مردم ما را تحریم می‌کنند؟ چرا سایر هنرمندان و ورزشکاران و سلبریتی‌ها از این مواهب محرومند؟

شناخت آنها که به گفته آیات ابتدایی مورد نزول شیطان‌اند از جامعه محترم هنرمندان و ورزشکاران و سلبریتی‌های متعهد که کم هم نیستند سخت نیست. در فتنه‌ها می‌توان با امثال همین سؤالات، دانست که دعای امام راحلمان که فرمود «خدا نکند دنیا به کسی که خود را نساخته باشد رو بیاورد» یعنی چه؟ یعنی کسانی که مورد اقبال و بزرگواری مردم بوده و قبلاً خود را ساخته‌اند، در همه حال در کنار مردم می‌مانند و با داعشی‌های وطنی و کومله و دموکرات و اسرائیلیون که مثل وحشی‌ها بانک غارت می‌کنند و قرآن و پرچم و پلیس و آمبولانس به آتش می‌کشند و در وسط خیابان شاهرگ مردم می‌زنند و... همداستان نمی‌شوند و پروژه اسب تروای دشمنان را بازیگری و بازیگردانی نمی‌کنند و حاضر نمی‌شوند سربازان سفله و نفله و وطن‌فروش و پیشمرگ دشمنان شوند و فتنه به نام آنها رقم بخورد. هیچ با شرفی در هنگامه جنگ خشن دشمن، دست مردم خود را نمی‌بندد.

محمدهادی صحرایی

رابرت مالی:

نمی‌توان مانع خروج رئیس جمهور آینده آمریکا از برجام شد

نماینده آمریکا در امور ایران با اذعان به اینکه تهران هم‌اکنون هیچ تصمیمی برای دستیابی به سلاح اتمی ندارد، گفت: اگر رئیس‌جمهور آینده آمریکا بخواهد یک‌جانبه از توافق خارج شود، نمی‌توان کاری انجام داد.

«رابرت مالی» نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران اذعان کرد که هیچ تضمینی نمی‌توانند بدهند که رئیس‌جمهور آینده این کشور از هر توافق احتمالی با ایران خارج نشود.

مالی دیروز (جمعه) طی اظهاراتی درباره سرنوشت مذاکرات وین مدعی شد: «مذاکره با کشوری که از گفت‌وگو با ما امتناع می‌ورزد، دشوار است؛ که همه چیز را دشوارتر، زمان‌بر و مستعد سوءتفاهم کرده است. ما آماده گفت‌وگوی مستقیم هستیم ولی آنها نیستند.»

به نوشته رسانه‌های آمریکایی، وی درباره تضمینی که مقامات ایرانی مبنی بر عدم خروج هر رئیس‌جمهور آینده آمریکا از هر توافقی با تهران می‌خواهند، اذعان کرد: «اگر یک رئیس‌جمهور آینده در آمریکا بار دیگر بی‌پروا تصمیم بگیرد که به‌طور یک‌جانبه از توافق خارج شود، آن‌هم در زمانی که توافق موفقیت‌آمیز بود، هیچ کاری نمی‌توان برای جلوگیری از آن انجام داد.»

این مقام آمریکایی در مصاحبه با برنامه رادیویی «ورلد» اظهار داشت: «در حال حاضر به‌نظر نمی‌رسد که ایران تصمیمی برای دستیابی به سلاح اتمی گرفته باشد. این بدان معنا نیست که آنها تا زمانی که در آستانه انجام این کار نباشند برنامه خود را گسترش نمی‌دهند.»

مالی در این موضوع همچنین افزود: «اکنون سرنوشت مذاکرات به تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وابسته است، که ربطی به توافق هسته‌ای ندارد. درهای ما [برای پذیرش ایران] باز است اگر بخواهند عبور کنند.»

مالی فروردین‌ماه سال جاری نیز گفته بود «دولت فعلی آمریکا نمی‌تواند درباره تصمیمات دولت بعدی این کشور در قبال توافق هسته‌ای با ایران تضمین بدهد.»

مقامات آمریکایی بارها اعلام کرده‌اند که «واشنگتن نمی‌تواند تضمین کند که خروج از برجام بار دیگر اتفاق نخواهد افتاد.»

گفتنی است چندی پیش، «نیکی هیلی» نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل در دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» گفت، دولت بعدی کشورش، هرگونه توافق دولت فعلی با ایران را پاره خواهد کرد.

به نوشته وبگاه شبکه «فاکس‌نیوز» هیلی در سخنرانی نشست «مسیحیان متحد برای اسرائیل» گفت: «عدم توافق بهتر از توافق بد است و اگر این رئیس‌جمهور هرگونه توافقی را امضا کند به شما قول می‌دهم که رئیس‌جمهور بعدی آن را در روز اول حضورش پاره خواهد کرد.»

روایت اسلامی از دیدارش با مدیرکل آژانس انرژی اتمی در وین

محمد اسلامی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی با شرکت در شصت و ششمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین با «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس، هیئتی از روس‌اتم و همچنین وزیر امور خارجه مجارستان دیدار و گفت‌وگو کرد.

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی درباره این سفر گفت: با شرکت و سخنرانی در شصت‌وششمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین بر مواضع صریح و قانونی جمهوری اسلامی ایران تأکید و انتظارات خود از آژانس و این نشست را بیان کردیم.

محمد اسلامی اظهار داشت: برای ما حائز اهمیت است که بتوانیم به منظور پیشبرد برنامه‌های توسعه براساس سند جامع راهبردی صنعت هسته‌ای، موانع موجود بر سر راه کشور را از میان برداریم.

وی تصریح کرد: تحریم‌های ظالمانه‌ای بر ایران تحمیل شده است و امیدواریم با تعاملات اثربخش بتوانیم ضمن رفع تحریم‌ها که هدف قانون اقدام راهبردی مجلس شورای اسلامی است؛ مسیر توسعه را تسهیل کنیم.

رئیس سازمان انرژی اتمی ایران بیان کرد: کنفرانس عمومی در اصل می‌تواند با برگزاری ملاقات‌های دوجانبه یا چندجانبه، فرصت گفت‌وگو درباره مسائل مختلف را فراهم کند و ما نیز همانند سال گذشته از فرصت به دست آمده در جریان برگزاری این کنفرانس استفاده کردیم و ملاقات‌هایی با کشورهای دیگر داشتیم.

وی توضیح داد: یکی از ملاقات‌ها با رافائل گروسی و معاونان وی بود و با این هیئت درباره مسائل باقیمانده به گفت‌وگو پرداختیم. در جریان ملاقات با رافائل گروسی، فضای همکاری بین آژانس و سازمان انرژی اتمی را مرور کردیم.

وی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران همواره مقید است که ضوابط پادمان را رعایت کند و نسبت به پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نیز متعهدیم و نظارت‌های آژانس را بر فعالیت‌های خود و مطابق مقررات آژانس تسهیل کرده و در آینده نیز تسهیل خواهیم کرد؛ ایران زمینه تداوم همکاری با آژانس نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای را فراهم می‌کند و آن را به صورت اطمینان‌بخش انجام می‌دهد و آژانس هم مکررا نسبت به تایید این موضوع اذعان دارد.

سرلشکر باقری: با هرگونه اقدام خصمانه آمریکا نسبت به پهپاد ایرانی مقابله می‌کنیم

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: اگر آمریکایی‌ها نسبت به پهپادهای ایرانی اقدامی داشته باشند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به این اقدام خصمانه پاسخ خواهند داد.

سردار سرلشکر محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح درخصوص ادعای انهدام یک فروند پهپاد ایرانی توسط نیروهای آمریکایی در اقلیم شمال عراق گفت: اگر آمریکایی‌ها نسبت به پهپاد ایرانی اقدامی داشته باشند، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به این اقدام خصمانه پاسخ خواهند داد و این حق مقابله و انتقام را برای خود محفوظ می‌دانیم.

سرلشکر باقری با تاکید بر اینکه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اطلاعات کامل و دقیقی نسبت به پایگاه‌های حریر، اربیل و دهوک در عراق دارند خاطرنشان کرد: ما تنها با تجزیه‌طلب‌های تروریست در حال برخورد سخت نظامی هستیم و هیچ اقدامی در این مقطع نسبت به آمریکایی‌ها نداریم و آنها بدانند انتقام این حرکت برای نیروهای مسلح ما محفوظ است و به جای خود و مناسب با آن برخورد خواهیم کرد. وی تصریح کرد: این ادعای آمریکایی‌ها درباره انهدام پهپاد رزمی جمهوری اسلامی ایران ثابت می‌کند آمریکا با تروریست‌ها و تجزیه‌طلب‌ها همدست است و در حال همکاری با این گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریست‌ها می‌باشد.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در ادامه با توصیه به کشورهای همسایه که پایگاه‌های آمریکایی و صهیونیستی در آنها مستقر است، گفت: اگر اقدام خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی و منافع ملی از پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای همسایه اتفاق بیفتد، حتماً به آن پایگاه‌ها جواب خواهیم داد. سرلشکر باقری با تاکید بر اینکه دوستی کشور ایران با کشورهای همسایه یک رسم و رسومی دارد و اگر این رسم و رسوم رعایت نشود باید انتظار پاسخ منطقی و متقابل ما را داشته باشند، گفت: مقابله با هرگونه اقدام دشمنی را حق قانونی خود می‌دانیم و در همه دنیا این حق وجود دارد و ما از این حق به موقع استفاده خواهیم کرد.

خبر ویژه

احمد مازنی پس از زیباکلام: مرگ مهسا بهانه بود

ده روز پس از موج‌سواری افراطیون مدعی اصلاحات و تحریک به آشوب و ناآرامی، یک نماینده اصلاح‌طلب مجلس دهم اذعان کرد: مرگ مهسا امینی «بهانه» بود.

اخیرا صادق زیباکلام ضمن نوشته‌ای در روزنامه آرمان تاکید کرده بود مرگ مهسا امینی برای راه‌اندازی تجمعات، بهانه بود و اگر این بهانه نبود، بهانه دیگری دست و پا می‌شد. پس از وی، اینک احمد مازنی در روزنامه اعتماد می‌نویسد: «تقلیل صورت مسئله به موضوع درگذشت مهسا امینی نوعی خودفریبی است، شعار «مهسا بهانه است» با هر مبنایی گفته شود قابل توجه است، اینکه دشمنان اسلام و ایران با هر هدفی در پی دنباله این شعار باشند بسیار طبیعی است چرا که آنان به اقتضای دشمنی به وظیفه خود عمل می‌کنند، کار دشمن، دشمنی است. نیش عقرب نه از ره کین است/ اقتضای طبیعتش این است. بنا بر این از دولت آمریکا و رسانه‌های آن و از شبکه‌های فارسی‌زبان بیگانه و از تروریست‌های منافق و وطن‌فروشان خائن انتظار دیگری نمی‌توان داشت. اما آیا جوانان معترض که در مواردی از سر عصبانیت دست به اقدامات خشن می‌زنند عوامل این بیگانگان و بیگانه‌پرست هستند؟ هیهات که چنین نسبتی در شأن جوانان ایرانی باشد! مردم ایران به‌ویژه جوانان این مرز و بوم از سوءمدیریت مدعیان به ستوه آمده‌اند. از خلف وعده‌ها، از گرانی‌های کمرشکن، از تورم جانکاه، از بیکاری، از حذف نیروهای توانمند از چرخه اداره کشور، از هزینه کردن ارزش‌های دینی و ملی برای اهداف جناحی، از محدودیت‌ها در استفاده از اینترنت، از تفسیر به رأی اصول قانون اساسی، از اختلاس‌ها و سوءاستفاده از بیت‌المال و بسیاری از مسائلی که از سوی نهادهای حکومتی یا به نام حاکمیت بر مردم تحمیل شده و نخبگان را وادار به مهاجرت کرده است. اگر دنبال خواسته‌ها و مطالبات واقعی مردم هستید نگاهی به این فهرست که مشت نمونه خروار است بیندازید و عقل را قاضی قرار دهید که در چنین شرایطی به مو و لباس دختران گیر دادن و از درون این گیر دادن‌ها جنازه دختری را به پدر و مادرش تحویل دادن در آتش خشم مردم دمیدن نیست؛ پس چیست؟ آری مردم برای نشان دادن نارضایتی خویش که گوش شنوایی برای آن نیفتند از مرگ این دختر جوان فرصتی ساختند تا عدم رضایت خویش را اعلام کنند.»

نوشته این نماینده سلفی‌بگیر و بی‌خاصیت مجلس دهم و اعتراف به بهانه بودن مرگ مهسا امینی، در حالی است که بلافاصله پس از فوت این خانم و در حالی که هنوز چیزی روشن نشده، عناصر بدنامی مانند سیدمحمد خاتمی، عبداله نوری، کرباسچی، شکوری‌راد، حجاریان و... به همراه احزابی مانند کارگزاران و اتحاد ملت و مجمع روحانیون وارد گود شده و سعی کردند ضمن تحریک عواطف و فضاسازی، مقدمات آشوبی را که نهایتا در خدمت نقشه آمریکا و اسرائیل بود، فراهم کنند.

موضوع دوم به بازی افراطیونی مانند مازنی و دیگر افراطیون مدعی اصلاحات با عنوان «مردم» است و حال آنکه اکثریت قریب به اتفاق مردم، با وجود گلایه‌ها و انتقادهایی که دارند حاضر نشدند با تحریک‌کنندگان به آشوب همراهی کنند.

نکته سوم، اشاره مازنی به انتقادها و اعتراضات مردم و موج‌سواری براساس آن است و حال آنکه سوءمدیریت، گرانی کمرشکن، بیکاری، اختلاس و سوءاستفاده از بیت‌المال، سرفصل فهرست اتهامات و خیانت‌های مدیریت اشرافی حاکم دولت سابق است و مردم اگر هم اعتراضی به این موارد داشته باشند که قطعا دارند، اولا گریبان اشرافیت غربگرای مدعی اعتدال و اصلاحات را می‌گیرد و ثانیا برای اعتراض، دست به رفتاری نمی‌زنند که همان اشرافیت فاسد و وابسته به غرب درصدد تدارک آن است.

نکته پایانی اینکه اعتراف به بهانه بودن مرگ خانم مهسا امینی، ناظران را به یاد خیانت قبلی مدعیان اصلاح‌طلب در سال ۸۸ به بهانه تقلب در انتخابات می‌اندازد و حال آنکه در تجمعات آشوبگران اذعان شد «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است».

بی‌محلی مردم به سلبریتی‌های بازیچه مدعیان اصلاحات

در حالی که افراطیون مدعی اصلاحات با سواری گرفتن از برخی سلبریتی‌ها، سرگرم کامجویی سیاسی هستند، یک روزنامه اصلاح‌طلب تأکید کرد مردم رنگ به رنگ شدن و مُلون مزاجی این سلبریتی‌ها را جدی نمی‌گیرند.

آفتاب یزد در گزارشی با عنوان «سلبریتی‌هایی که از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند»، نوشت: این روزها به بهانه حمایت از مردم باز هم برخی سلبریتی‌ها موضع گرفتند.

عده‌ای که دستمزدشان را تمام و کمال دریافت کردند و یا حتی بارها اذعان کرده‌اند که اساساً تلویزیون نمی‌بینند، باز هم شروع به اعتراض و هشتگ‌گذاری کرده و ادای حمایت از مردم را درآوردند.

مردم دیگر این خداحافظی‌ها را قبول ندارند، آنقدر به فراخور زمان چهره‌های سینمایی و تلویزیونی تغییر چهره داده‌اند که هیچ کس باورشان نمی‌کند.

یکی در آمریکا در اوج کشته شدن مردم از کرونا در وطن، عکس واکسن زدنش همه‌گیر می‌شود آن یکی در اوج فقر مردم، قرارداد میلیاردی می‌بندد.

حالا اینها از جمع شدن بیلبوردهایشان در سطح شهر خدا را شکر می‌کنند و فریاد وا مصیبت‌هایشان گوش فلک را کر کرده است که فیلم‌ها و سریال‌هایشان از صدا و سیما و شبکه‌های تلویزیونی پخش نشود!

نکته مهم این است که دیگر مردم نه سلام‌ها را جدی می‌گیرند و نه خداحافظی‌هایشان را.

مدیری پیش از این چندین و چند دفعه از تلویزیون خداحافظی کرده و گفته است این سری آخری است که دورهمی را می‌سازد اما بعد از ساخت یک مسابقه نه‌چندان موفق در تلویزیون باز به ساخت دورهمی روی آورد و در تلویزیون ادامه داد. او پیش از این نیز در سال ۹۵ در برنامه هفت با اجرای بهروز افخمی گفته بود که دیگر نمی‌خواهد چه برای تلویزیون و چه برای شبکه نمایش خانگی برنامه‌ای بسازد و می‌خواهد به همان ساخت سالی یک فیلم سینمایی اکتفا کند. اما باز، هم به تلویزیون برگشت و برنامه‌سازی کرد و هم برای شبکه نمایش خانگی دو سریال ساخت تا این روزها که با صدای محکم‌تری رو به دوربین می‌گوید که دیگر نمی‌سازد، به همان محکمی جدی‌اش نگیریم! چون مدیری نه تنها برنامه که حتی در برنامه‌های تبلیغاتی نیز پررنگ‌تر از قبل شده است. او که تلویزیون را تهدید می‌کند که اجازه ندارد حتی یک فریم از او پخش کند؛ روزانه چندین و چندبار چهره‌اش برای تبلیغ یک فروشگاه زنجیره‌ای پخش می‌شود تا بگوییم گویی احتیاج مدیری به تلویزیون خیلی بیشتر از تلویزیون به او است.

هیجانی شدن چهره‌هایی که تلویزیون را تهدید به عدم همکاری می‌کنند و روز دیگر با همین تلویزیون قرارداد می‌بندند فقط به مهران مدیری خلاصه نمی‌شود. «نیوشا ضیغمی» که پیش از این در جملات تند و تیزی گفته بود نه‌تنها تلویزیون نمی‌بیند بلکه حتی اجازه نمی‌دهد فرزندش هم تلویزیون را تماشا کند. حالا این روزها اگر تلویزیون خانه‌اش را روشن کند می‌تواند خودش را در سریال «بی‌نشان» ببیند!

«محسن تنابنده» و «احمد مهرانفر» نیز بارها بعد از تولید یک سری از پایتخت گفته‌اند این آخری بود و از کار با تلویزیون خداحافظی کردند اما سری بعد را پر و پیمان‌تر ساختند و دوباره به رسانه ملی برگشتند.

کشف حجاب بازیگران زن نیز چندان از این قاعده دور نیست. برخی از بازیگرانی که در چندوقت گذشته با کشف حجاب اعلام کرده‌اند که از تلویزیون می‌روند. در سال‌های اخیر تلویزیون به آن‌ها نه تنها کم لطفی نداشته بلکه در تعداد زیادی از سریال‌های مناسبتی و پربازدید تلویزیون که چندین و چندبار بازپخش شده حضور داشتند و حتی از خیر پیشنهادهای تبلیغاتی تلویزیون هم نگذشتند. حالا اینکه کدام مقصد بهتری را جز تلویزیون پیدا کرده‌اند و چه سرنوشت بهتری از همکاری در تلویزیون خواهند داشت از جمله سوالاتی است که احتمالا گذشت زمان بهترین پاسخ را به آن‌ها خواهد داد. یا اینکه مثل برخی دیگر با مصاحبه‌های مختلف از اشتباه خود در این زمینه سخن خواهند گفت تا شاید بتوانند دوباره به موقعیت قبل خود برگردند.

مخالف‌خوانی چهره‌های سرشناس به خصوص تلویزیونی این روزها یکی از پربازدیدترین خبرهای رسانه‌هاست. چهره‌هایی که بسیاری از آن‌ها در خارج از مرزهای کشور نشسته‌اند و مردم را به حضور در خیابان‌ها و حتی به آتش کشیدن اموال عمومی تشویق می‌کنند. علی کریمی که چندی پیش خبر رسیده بود برای مهاجرت به امارات رفته در ویدیوها و پیام‌هایی تحریک کننده سعی در رهبری آشوبگران خیابانی دارد.

احسان کرمی حالا دو سال است در آمریکا زندگی می‌کند اما سعی می‌کند افراد داخلی را تحریک کند و به چهره‌های ناهمراه برچسب می‌زند. رفت و برگشت برخی از این سلبریتی‌ها نشان می‌دهد مواضع آنها ارتباط مستقیمی با موفقیت لحظه‌ای آنها دارد. شاید به همین دلیل هم هست که خداحافظی آنها، هیچ اهمیتی برای مخاطبان ندارد».

یادآور می‌شود سعید حجاریان تیر ماه سال ۱۳۹۷ به روزنامه اعتماد گفته بود در پی بی‌اعتنایی مردم به اصلاح‌طلبان،این طیف باید سیاست‌های خود را ابتدا از زبان هنرمندان و مشاهیر و... مطرح کنند و خود در این فاز، در پشت صحنه قرار بگیرند.

فهرست طولانی جنایات و خسارات و ضرورت مجازات مسببان آن

مسببان اغتشاشات اخیر باید به‌خاطر فهرست طولانی جنایات، خیانت‌ها و خسارت‌هایی که مرتکب شدند، مجازات شوند.

روزنامه همشهری در این‌باره خطاب به دستگاه قضایی نوشت: برای تمام خون‌هایی که به ناحق ریختند، برای قرآنی که به آتش کشیدند، برای هتک حرمت به پرچم‌های امام‌حسین(ع)، برای سوزاندن پرچم افتخارآمیز ایران، برای اهانت کردن به قهرمان ملی کشور، برای آرامشی که ۱۰ روز از زن و بچه‌هایمان گرفتند، برای شهیدان دوست‌محمدی، استاد هاشم، فاطمیه، خالقی، بیگلو، فلاح، اولادی، سروری، تقی‌پور، اوجاقی، زارع، جاویدی‌مهر، برای شهدای گمنام امنیت در این روزها که حتی نام‌شان شنیده نشد، برای پدران و مادران شهدای این شب‌ها که یک‌شبه پیر شدند، برای یتیم شدن بچه‌های شهدای امنیت، برای آن دختر همدانی که یک چشمش را برای همیشه از دست داد، برای مجروحان و آسیب‌دیدگان اغتشاشات، برای تازه کردن داغ مادران شهدا، برای تخریب اموال عمومی و برای آتش زدن آمبولانس‌ها و ماشین‌های آتش‌نشانی، برای آسیب زدن به اتوبوس‌های عمومی و خودروهای شخصی، برای به آتش کشیدن بانک‌ها و عابربانک‌ها، برای شکستن شیشه مغازه‌ها، برای ویران کردن تابلوهای شهری، برای ایجاد خسارت‌های مادی و معنوی، برای بی‌رونق کردن بازارها، برای آتش‌زدن خانه‌های خدا، برای ناامن کردن فضای سایبری، و بیکار کردن کسب‌وکارهای مجازی، برای آشفتگی پدران نوجوانان فریب‌خورده، برای دل‌نگرانی مادران در این شب‌ها، برای توهین به مقدسات اسلام، برای لگد زدن میلیاردی‌بگیرها، برای مشارکت در اغوا و تحریک مردم به خشونت، برای ساختن دروغ‌ها و شایعه‌ها، برای موج‌سواری معدود سیاسیون روی موج اغتشاشات، برای وارونه‌نمایی و عوض کردن جای جلادها و شهیدها، برای به راه انداختن لشکر فیک روبات‌ها، برای کشیدن چادر از سر محجبه‌ها، برای هتاکی به زنان و مردان مسلمان، برای همراهی با رسانه‌های معانده، برای کاشتن بذر تفرقه میان مردم، برای ناامن کردن خیابان‌ها، برای ترور اعتقادات، برای فریب دادن بچه‌های مردم، برای زنده زنده سوزاندن یک آدم، برای بریدن وحشیانه گلوی یک انسان، برای میدان دادن به تجزیه‌طلب‌ها، منافقان و سلطنت‌طلب‌ها، برای ناامن کردن مرزها و شهرها، برای حمایت از گروهک‌های تروریستی، برای بر هم زدن فضای آرام دانشگاه‌ها، برای به انحراف‌کشاندن مطالبه‌ها، برای به آتش‌کشیدن چهارراه‌ها و میدان‌ها، برای استفاده از پول کثیف وهابیت علیه مردم ایران، برای حمله وحشیانه به عزاداران، برای گرا دادن به دشمنان برای افزایش تحریم‌ها، برای به هم ریختن نظم و امنیت ایران، برای دودی که به چشم مردم رفت و برای حفظ این آب و خاک، با مسببان این اغتشاشات برخورد قاطع کنید. فقط همین آقای قاضی‌القضات.

گفت و شنود

چه بُزی بود ؟!

گفت: در جریان حمله موشکی سپاه به مقر تروریست‌ها در اقلیم کردستان عراق، یک آمریکایی هم به هلاکت رسیده است.

گفتم: تبعه آمریکا در مقر تروریست‌ها چه می‌کرده؟!

گفت: آمریکا اعلام کرده است که یکی از پهپادهای سپاه را بر فراز مقر تروریست‌ها ساقط کرده است!

گفتم: یعنی آمریکا اعتراف می‌کند که وظیفه پدافند هوایی تروریست‌ها را برعهده داشته و دارد!

گفت: حیوونکی‌ها بعد از یک عمر گدایی شب جمعه یادشان رفته و هنوز هم راه